

گفتگوی اکتبر با اعظم کم گویان

رهایی زن مطالبه تازه ای را در بر ندارد. با اینوصف آیا بیاتیه راه حل عملی خاصی را از لحاظ سیاسی- اجتماعی پیش پای حزب و فعالین جنبش قرار میدهد؟



اعظم کم گویان:

حزب حکمتیست ادامه یک سنت و جنبش اجتماعی بیست و چند ساله در دفاع از آزادی و برابری و بخصوص رهایی زنان است. ما بعنوان یک حزب کمونیست کارگری با تمایزات روشن خود دشمن سرسخت ستمکشی زن را هستیم. ما ریشه ستمکشی زن را در نظام سرمایه داری می بینیم و برای نابودی این نظام و رهایی زنان سرسختانه مبارزه می کنیم. ما معتقدیم که جنبش حقوق زنان

اکتبر: اعظم کم گویان. شما بیاتیه " جنبش رهایی زن در ایران . وظایف حکمتیست ها " را به کنگره اول حزب ارائه دادید که بتصویب رسید. ضرورت چنین بیاتیه ای چه بود؟ در حالیکه حزب ما عملاً یکی از جریانهای فعال و مدافعین اصلی در " جنبش رهایی زن در ایران " و خاورمیانه میباشد. مفاد مندرج در بیاتیه هم در برنامه " یک دنیای بهتر " نیز آمده است و برای حزب و فعالین جنبش

امیدشان به اینکه در رکاب ارتش آمریکا نقش پیاده نظام محلی را اجرا خواهند کرد و به قیمت تباهی جامعه به نان و نوایی میرسند، شکست خورد. بر بستر شکست این افق و امید بحران و شکافهای درونیشان تشدید شد و آنها را فلج کرده است. موقعیتی که امروز از درون با آن دست و پنجه نرم میکنند اساساً عاقبت ناکامی سیاست سیاه و خطایی است که در پیش گرفتند و امروز حاصل آن را درو میکنند. مسیر سیاهی را که این دو جریان به زعم خود در انطباق با نقشه های آمریکا در قبال ایران برگزیدند و ناکامی و بن بست را که اکنون به نصیب برده اند، به طور جداگانه در مورد هر کدام در مطالب دیگری باید پیگیری کرد. آنچه در این مطلب کوتاه قابل تاکید

فدرالیستهای کردستان قربانیان شکست استراتژی جنگی آمریکا!



رحمان حسین زاده

حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان از قربانیان این بن بست و شکست جنگی آمریکا در عراقند. مشکل این دو جریان از انتخابات اخیر کنگره آمریکا و شکست جمهوریخواهان شروع نمیشود. بلکه نتیجه شکست انتخاباتی بوش و جمهوریخواهان میخ آخر را به تابوت امید آنها زد. واضح است از منتهی قیل و با پدیدار شدن شکست نظامی آمریکا در عراق و به بن بست رسیدن اجرای نقشه عراقیزه کردن ایران و کنار زدن فوری جمهوری اسلامی توسط پنتاگون امید و افقی که این دو جریان سرنوشت خود را به آن گره زدند، ناکام ماند.

رامسفلد و جمهوریخواهان آمریکا تنها قربانیان شکست استراتژی جنگی نظم نوینی در عراق نیستند. این پدیده در جهان و خاورمیانه کل جریانات راست امید بسته به استراتژی جنگی بوش را با ناکامی و سر درگمی عمیقی روبرو کرده است. جریانات راست و سناریو سیاهی ایران از آن جمله اند. در این میان دو جریان فدرالیست کردستان ایران ،

در صفحات دیگر

اوج گیری اعتراضات دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر!



در باره سفر احمدی نژاد به شهرهای کردستان! اطلاعیه های کمیته مریوان و سنندج حزب

اعلام موجودیت کمپین حمایت از مهاجرین افغانی ساکن ایران!

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۲۹ - ۳۰ مهرماه ۱۳۸۵ (۱ - ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶)

قطعه نامه در مورد

مانعت از پاشیدن شیرازه جامعه ایران

دادگاه سقز به محمو صالحی و جلال حسینی حکم زندان داد!

شکست بوش ، ، بن بست سیاست خونین نظم نوین جهانی در عراق !



ارتجاعی اسلامی، مذهبی و ناسیونالیستی و راست منجر شود. خلأ حضور وسیع و متشکل طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، این شکست را زمینه پیشروی صافی دیگر از ارتجاع جهانی خواهد کرد. شکست بوش و بن بست ترویسیم دولتی آمریکا در عراق را باید به نیروی طبقه کارگر و جنبش آزادی خواهی و ضد ارتجاعی، به شکست کامل هر نوع ارتجاع در سراسر جهان تبدیل کرد. بوش و هئیت حاکمه آمریکا همراه تمام متحدینش در حمله به عراق، مسئول انهدام جامعه عراق اند و باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

کامل شیرازه آن بوده است. سیاستی که هر دو حزب جمهوریخواه و دمکرات در بنیاد های آن اشتراک دارند و به بهای تحمیل یک عقب گرد عظیم به عراق و انهدام کامل بنیادهای مندی و فرهنگی این جامعه، علاوه بر خسارات عظیم انسانی باعث عروج، رشد و گسترش جریانات مذهبی و قومی شد. ترکش دست رد به سینه بوش و اعلام بن بست سیاست خونین نظم نوین جهانی، به معنی ایجاد شکاف و انشقاق در میدان ارتجاع امپریالیستی، در صفوف دشمنان مردم است. انشقاق و شکافی که باید توسط مردم آزادیخواه و متمدن، بعنوان سکوی پرشی برای اعلام کیفرخواستهای خود علیه توحش میلیتاریستی، و برای یک زندگی انسانی مورد استفاده قرار گیرد. در غیاب صف متحد مردم آزادیخواه حاصل این شکست میتواند به تقویت جریانات فوق

شکست جمهوریخواهان به رهبری بوش در انتخابات میان دوره ای آمریکا در هفت نوامبر، نتیجه بن بست ارتجاع جهانی به رهبری آمریکا در عراق است. بن بست که با گسترش شکاف در اتحاد غرب و انزوای آمریکا، بی تردید محدود به صف بندی های سیاسی در آمریکا نخواهد ماند و بلافاصله به اروپا و خاورمیانه تسری پیدا خواهد کرد. این شکست نه محصول مبارزه و پیروزی انتخاباتی دمکراتها، که محصول به بن بست رسیدن سیاست های میلیتاریستی و ترویسیتی کل هئیت حاکمه آمریکا در خاورمیانه است. سیاستی که محصول بلاواسطه آن تخریب کامل جامعه چند میلیونی عراق، مباران و کشتار و از هم پاشیدن

با اعظم کم گویان

همیشه دین بزرگی به جنبش کمونیستی داشته است. ما خود را میراث دار انقلاب اکتبر و تحولات عمیقی می دانیم که این انقلاب در موقعیت زنان بوجود آورد. در حزب کمونیست کارگری تا دو سال قبل ما پرچمدار بی تزلزل پیشروی در حقوق زنان و تعمیق خواستها و افق جنبش آزادی و برابری زنان بوده ایم. وجود شخصیت‌های سرشناس و کمپین‌های وسیع و موثر در تأمین حقوق زنان و تشکلهای متعدد زنان و تأثیری که این فعالیت در افق و رادیکالیسم جنبش حق طلبی زن داشته است انکارناپذیر است. منصور حکمت در تعمیق افق جنبش رهایی و برابری زن- رهبری روشن بین و یار و یابوری توانا بود. متأسفانه مرگ وی و ضربه و صدمه ای که بر جنبش کمونیسم کارگری

وارد شد به موقعیت ما در جنبش رهایی زن نیز ضربه زد. ما تلاش کردیم که از دل این صدمات بیرون بیاییم و سنت سرسختی و روشن بینی کمونیستی در رهایی زن را ادامه بدهیم.

اما ارائه این قطعنامه در کنگره اول حزب از چند لحاظ ضروری بود. اول اینکه با وجود اینکه ما ادامه یک سنت کمونیستی متمایز و پر سابقه هستیم اما این اولین کنگره ما بعنوان حزب حکمتیست بود و به این عنوان لازم بود که ما در کنگره که عالیترین نهاد این حزب هست رسماً دیدگاه‌های خود در مورد رهایی زن و وظایف حکمتیست‌ها را اعلام و اراده واحد کنگره را برای تحقق رهایی زن به جامعه اعلام کنیم.

دوم اینکه ما در قبال پیروزی جنبش رهایی

کنگره - حزب حکمتیست باید خود راساً به پای تنوین برنامه‌ها و فعالیت‌های روشن و منون برای تأمین انسجام و سازماندهی و رهبری صفوف این جنبش برود و وظایف و نقشه عمل‌های روشنی در دستور کار کمیته‌های مختلف حزبی قرار دهد. لازم به توضیح نیست که چه در گذشته و چه در حال حاضر این حزب الهام بخش و یابور و پشتیبان سازمانها و کمپین‌های متعددی در دفاع از جنبش رهایی و حق طلبی زنان بوده است و این زمینه از کار همچنان بوقت خود باقی خواهد ماند. اما آنچه که ما در بیاتیه بر آن تأکید داشتیم تضمین نقش حزب و فعالیت‌های آن در قبال جنبش رهایی زن در ایران می باشد.

زن در ایران بعنوان یک جنبش وسیع و رادیکال که رکن مهمی در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است و ما آن را بدلیل قدرتش یک انقلاب زنانه نامیده ایم بشدت و عمیقاً خود را متعهد می دانیم و می‌خواستیم کنگره بعنوان عالیترین مرجع حزب این تعهد را رسماً تصویب کند.

سوم اینکه ما بر سازمان دادن و انسجام و رهبری صفوف این جنبش که از پراکندگی رنج می برد تأکید کردیم ما اعلام کردیم که پیروزی این جنبش بدون تشکل‌یابی و متحد شدن حول پرچم یک حزب سیاسی کمونیستی قدرتمند که می‌خواهد و می‌تواند جنبش رهایی زن را به پیروزی برساند ممکن نیست.

چهارم اینکه در دور حیات و فعالیت پس از

دیگری و راه تحقق آزادی و رهایی و برابری در مقابل جامعه قرارداد داده و قابل انتخاب کرده ایم. کردستان ایران دروازه قدرت آزادیخواهی و برابری خواهد بود و ما این را تضمین می‌کنیم. اینجا است به هجری - مهدی باید گوشزد کرد محاسباتشان خطا و اشتباه و مسیرشان بی آینده است. آزمونی سیاه و آزمونی خطا را برگزیده اند." (از مطلب هجری، مهدی: آزمونی سیاه، آزمونی خطا مندرج در نشریه اکتبر شماره 92)

اکنون آزمون سیاه و خطای آنها اثبات شده و انکارناپذیر است. فرصتی است که ما و مردم یکبار برای همیشه ناسیونالیسم و فدرالیسم را از صحنه سیاست جامعه چارو کنیم

2006-11-14

کنید. دانش‌آموزان و جوانان می‌توانند محیط مدرسه و دانشگاه را به محل اعتراض به جمهوری اسلامی و احمدی نژاد تبدیل کنند. می‌توان کاری کرد جسارت حضور در هیچ اماکن عمومی و محل اجتماع مردم را نداشته باشد. و لازمست کاری کرد رئیس جنایتکاران اسلامی سرافکننده شهر مریوان را ترک کند.

**مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
کمیته مریوان حزب حکمتیست
23 آبان 85 (14 نوامبر 2006)**

را جلب کردند و با چنین اقدام توده ای جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کردند.

رژیم جمهوری اسلامی میدانند مردم مریوان اعدام دسته جمعی فرزندان کمونیست و آزادیخواه خود را توسط خلخال جلاجلاد فراموش نخواهند کرد و در نتیجه نه تنها به مزدوران ریز و درشت این رژیم روی خوش نشان نخواهند داد، بلکه همچنانکه بارها نشان داده اند، خواستار سرنگونی فوری جمهوری اسلامی هستند.

مردم مبارز مریوان!

بار دیگر باید نشان داد احمدی نژاد و سران جمهوری اسلامی در میان ما مردم نه تنها جایی ندارند، بلکه تفرق عمیق و اعتراض ما علیه آنها و رژیم جنایتکارش بسیار عمیقتر از گذشته گسترش یافته است. با هر ابتکار ممکن اعتراض و تفرق را علیه سفر این جانی اسلامی ابراز کنید. از حضور در میتینگ و مراسم‌های فرمایشی خودداری

ناسیونالیست و ارتجاعی کردستان بارها شکست و عقب نشینی را از سر می‌گیرانند و در شکاف دولتها و با اتکا به آنها و جنبش ضد انسانی ناسیونالیستی تجدید حیات میکنند. این بار چنان آگاهی و هوشیاری و چنان صف وسیع آزادیخواهانه ای را باید ایجاد کرد، که چنین سبکی اجازه تکرار نداشته باشد. جامعه کردستان ایران بیش از هر جایی شرایط مساعد کنار زدن قطعی ارتجاع ناسیونالیستی و طرح سیاه فدرالیسم را دارد. این را حضور قوی کمونیسم و چپ و حضور مبتکرانه حکمتیست‌ها می‌تواند، تضمین کند. چند ماه قبل زمانی که هجری - مهدی با نوق زنگی زایدالوصفی در واشنگتن به دربارگی بارگاه پنتاگون سرگرم بودند، در مطالبی تحت عنوان "هجری- مهدی: آزمونی سیاه، آزمونی خطا" جایگاه و نقش کمونیسم و رادیکالیسم جامعه کردستان را به طور موجز یاد آور شدم، که تأکید دوباره آن بسیار ضرورت

اطلاعیه کمیته مریوان حزب حکمتیست

احمدی نژاد جنایتکار در میان مردم جایی ندارد!

و در راستای ایجاد ترس و ارعاب در میان مردم است.

جمهوری اسلامی محق است این چنین از تفرق و اعتراض مردم شهر مریوان هراسان باشد. سران این رژیم و از جمله جناب احمدی نژاد خوب بیاد دارند که مردم شهر مریوان از پیشقراولان صف اعتراضی توده ای و مسلحانه علیه موجودیت جمهوری اسلامی و دم دستگاه نظامی و انتظامی و اداری این رژیم از همان ابتدای سر کار آمدن این رژیم جنایتکار بوده اند. رژیم خوب میدانند که مردم مریوان برای مقابله با حمله رژیم به کردستان در تابستان 1358 دسته جمعی شهر را بمبت 15 روز تخلیه کرده و ابتکار بزرگ کوچ تاریخی مریوان را سازمان دادند. حمایت هزاران نفر مردم مبارز سراسر ایران و شهرهای کردستان

طبق خبر قرار است سردسته جنایتکاران اسلامی احمدی نژاد به شهرهای سنندج و مریوان سفر کند. در این رابطه از 2 روز قبل به دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر مریوان اطلاع داده شده تا با پوشیدن لباس‌های محلی تازه و مرتب خودشان را برای شرکت در یک مراسم رسمی آماده کنند. زمینه چینی‌ها و شایع کردن سفر احمدی نژاد از جانب مسئولین محلی رژیم در یکی دو ماهه گذشته به شهر مریوان قبل از هر چیز ترس جنایتکاران اسلامی از عکس العمل اعتراضی و اعلام تفرق مردم از جمهوری اسلامی و رئیس جمهور و دیگر جنایتکاران این رژیم است. تحرک و مانور‌هایی از طرف مزدوران سپاه و بسیج در محور جاده مریوان- سنندج در همین رابطه

اعلام موجودیت کمپین حمایت از مهاجرین افغانی ساکن ایران!

برهان دیوارگر

مسئله شکل بگیرد. من آماده ام تا با همه کسانی که می‌خواهند که کاری بر علیه اخراج و در حمایت از مهاجرین افغانی انجام دهند همکاری کنم.

اهداف کمپین حمایت از مهاجرین افغانی:

1- جلوگیری و توقف اخراج مهاجرین افغانی
2- دادن فوری اجازه اقامت و اجازه کار به همه آنها

3- مهاجرین افغانی باید به عنوان شهروندان ایران به رسمیت شناخته شوند و به همه درخواست کنندگان برای احراز شهروندی برکه هویت (شناسنامه) ایرانی داده شود

4- تمامی قوانین تبعیض آمیز در زمینه شغل، ازدواج، طلاق، حق مسکن، حق خرید و فروش دارایی و... فوراً لغو شود و همه مهاجرین افغانی ساکن ایران تحت پوشش قوانین کار و بیمه اجتماعی قرار

مهاجر مجبورند مزد کمتری را با ساعات کار طولانیتر تقبل کنند و دم بر نیآورند. آنها محروم از مسکن، تحصیل، حق خرید و فروش چیز و مایملک، ازدواج و مسافرت آزاد و... محرومند...

رقتار با آنان در جامعه از رقتار با بردگان عهد باستان بتر است. باید این وضعیت را تغییر داد. باید جلوی اخراج و تعدی و ستم و زورگویی به مهاجرین افغانی را گرفت. باید انجمن ها و کمپین ها و نهادهای موجود در ایران به حمایت از آنها برخیزند و نهادهای مختلفی در حمایت از آنها شکل بگیرد. باید همه فعالین و تشکلهای کاری در حمایت از این هم طبقه ای های ما دست به کار شوند و کاری کنند. من به نوبه خود کمپینی را برای این هدف اعلام میکنم و امیدوارم انجمن ها و کمپینهای زیادی در ایران برای این

اخراج کنند. همه ما از وضعیت کار و زندگی افغانیهای ساکن ایران آگاه هستیم. سالهاست که حقوق و حرمت این بخش از شهروندان جامعه ما، به غیر انسانی ترین شیوه لگد مال میشود، نه تنها شهروند بلکه انسان محسوب نمیشوند. نه تنها دولت و هر صاحب منصب دولتی، بلکه کارفرما و هر کسی که عشقش میکشد به خود اجازه میدهد به این شهروندان ما تعدی کند و کمتر کسی یافت میشود که در دفاع از آنها کاری کند، اعتراضی انجام دهد، نهادهای دایر کند. دری را بزند، خواهان تغییر قانونی شود و....

نه تنها کارگران و مردم مهاجر افغانی از هر گونه حق و حقوق در جامعه محروم هستند، بلکه تعدی و زورگویی به آنها و حتی گاهی به قتل رساندن آنها موجب پیگرد و مجازات نمیشود. افغانیهای پناهنده

اخراج میلیونها تن از شهروندانمان، مهاجرین افغانی ساکن ایران دوباره در دستور کار دولت قرار گرفته است. آنها پس از سالها کار و زندگی در ایران در سخت ترین و بی حقوقی ترین شرایط در معرض اخراج قرار دارند و مامورین انتظامی برای دستگیری و اخراج آنها بسیج شده اند.

بدون هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

اخراج هیچ گونه غرامت و حق و حقوقی آنها را از کارشان اخراج و همراه بقیه اعضای خانواده شان به افغانستان اخراج میشوند. و چقدر ناخوشایند و زشت است وقتی که این اخراجها به نام فراهم آوردن شغل برای کارگر ایرانی صورت میگیرد. مدارسی که مهاجرین افغانی برای تحصیل فرزندانشان با هزینه خود دایر کرده اند بسته میشود تا کودکانشان را به زور و با جدایی از همه انس و الفتیهایشان

لغو آپارتاید جنسی
- خروج نیروهای انتظامی از دانشگاه ها
لغو فوری احکام کمیته های انضباطی
- آزادی فوری زندانیان سیاسی
- آزادی بیقید و شرط بیان
- آزادی بیقید و شرط تشکل
- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بالای ۱۶ سال



سازمان جوانان حکمتیست

بیست و دوم آبانماه 1385

در ادامه این اعتراضات فردا دانشجویان اخراجی و تعلیقی از تحصیل، که به دانشجویان ستاره دار معروفند مقابل وزارت علوم تجمع می کنند. سازمان جوانان حکمتیست همه دانشجویان و جوانان آزادیخواه را به حمایت از این اعتراضات فرامی خواند دراستانه شانزده آذر باید حول این شعارها بزرگترین اعتراضات را سازمان داد. - آزادی، برابری

اوج گیری اعتراضات دانشجویی درآستانه ۱۶ آذر!

به دنبال اعتراضات در دانشگاه علامه طباطبایی و دیگر دانشگاهها در اعتراض به محرومیت و اخراج دانشجویان از تحصیل و گسترش فضای نظامی گری روز دوشنبه 22 آبان ماه دانشجویان معترض مراسمی که توسط طیف سنتی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی به مناسبت آنچه که روز ملی آزادی بیان نام نهاده بودند به صحنه اعتراضات پرشور تبدیل گردید. در این اعتراض دانشجویان به شدت به برگزارکنندگان و سخنرانان تعرض کردند و با شعارها و پلاکاردهایی که روی آنها نوشته شده بود: "فائیسیتها حیا کنید دانشگاه را رها کنید، دانشگاه تشکل آزاد می خواهد

در باره سفر احمدی نژاد به شهرهای کردستان!

نشانه استقبال مردم از احمدی نژاد نیست. مردم سندانج هم نفرت خود را از تدارک نظامی و امنیتی سفر احمدی نژاد و از این سفر احتمالی اعلام میکنند و برای تو دهنی به این نماینده جنایتکاران آماده میشوند. کارگران، جوانان، کارمندان و معلمان و مردم این شهر نه نامه ای برای تضرع و نه توفعی از این جنایتان دارند، شهری که نمایندگان کارگران یکی پس از دیگری اخراج شده و میشوند. نماینده تشکل معلمان تبعید شده و فعالین سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته و روانه زندانها گشته اند و فضای نظامی و پلیسی عرصه را به مردم تنگ

بسیجیها را آموزش میدهند، موقعیت را میسجند و از مقامات محلیشان تضمین می‌خواهند تا بالاخره بتوانند رییس جانیان مملکت را وارد این شهر بکنند و اتفاقی نیفتد. سفر احمدی نژاد این عوامفریب و شاید به شهرهای ایران برای هیچ کارگر و زحمتکش و جوان و زن ساکن این شهرها خوشایند نبوده و نیست. مردم هیچکدام از شهرهای کردستان به این نماینده رژیم ضد انسانی خوش آمد نگفته و نمیگویند. از دحام بسیجیها و جمع کردن اجباری تعدادی از کارمندان و مردم و یا جمع آوری نامه های شکایات و تضرع بخشی از مردم متوهم و مستاصل

منتها است که احمدی نژاد می‌خواهد به سندانج و مریوان بیاید. چند روزی است که شایعه این سفر مجددا وجود دارد. سفرهای احمدی نژاد به شهرهای ایران و جمع آوری نامه های شکایت مردم که گویا تا کنون به چندین تن رسیده است را همه میدانند اما سفر به شهرهای سندانج و مریوان هنوز برای احمدی نژاد يك طلسم شکسته نشده است. از یکسال پیش تا کنون گاه و بیگاه شایعه سفر احمدی نژاد به سندانج و مریوان وجود داشته است. در روزهای اخیر نیز نیروهای محافظ احمدی نژاد به سندانج فرستاده شده اند،

کمیته سندانج حزب حکمتیست
۱۲ آبان ۸۵ (۳ نوامبر ۲۰۰۶)

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۹ - ۳۰ مهرماه ۱۳۸۵ (۱ - ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶)

قطعنامه در مورد

ممانعت از پاشیدن شیرازه جامعه ایران

قدرتمند شدن و سازمان یافتن مردم از طریق اتحاد حول یک پرچم و سازمان یابی حول یک محور ممکن است. حزب کمونیست کارگری حکمتیست مردم را به اتحاد حول پرچم این حزب، که پرچم آزادی و برابری انسان است فرا میخواند.

کنگره اول حزب مردم را فرا میخواند تا با سازمان یافتن محلی و گسترش کنترل خود بر هر فعل و انفعال محلی و با تدارک ایجاد واحد های گارد آزادی برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای سناریو سیاه، با قدرت آزادی و امنیت خود را تضمین نمایند.

کنگره اول حزب توجه همه کمیته های کمونیستی حزب، تشکل های گوناگون محلی و واحد های گارد آزادی را به این واقعیت جلب میکند که حضور حزب با فعالیت گارد آزادی در هر جا باید با محدود شدن دامنه عمل نیروهای اسلامی و قوم پرست و با گسترش آزادی سیاسی و فرهنگی و ریشه گرفتن دفاع از ارزش ها و استانداردها انسانی با اتکا به قدرت مردم تداعی شود.

افزاید. باید اکیدا مورد مخالفت مردم و نیروهای سیاسی قرار گیرد، دامن زدن به هویت قومی، تقویت جریانات قوم پرست و بدست گرفتن پرچم فدرالیسم قومی مستقیما در خدمت به نابودی کشتادن جامعه ایران و تحقق سناریو سیاه است، اکیدا باید توسط مردم محکوم شود و نیروهای قوم پرست باید افشا و ایزوله گردند، در هر حال تنها ضامن دفاع از مدنیت جامعه حضور نیروی سازمان یافته و قدرتمند مردم حول دفاع از آزادی و امنیت و مقابله با قوم پرستی و نیروهای سناریو سیاه است. سازمان دادن و به میدان آوردن این نیرو فوری و حیاتی است. همانگونه که تجربه عراق نشان میدهد، موکول کردن این سازمان یابی و این قدرت گیری مردم به بعد از تحقق حمله آمریکا به ایران و یا فروپاشی نهادهای زندگی مدنی تحت فشار قوم پرستان بشدت خطرناک و مهلک است. این کار باید بسیار قبل از تحقق چنین سناریویی صورت گیرد و اصولا وجود چنین صفي از مردم سازمان یافته و قدرتمند خود باعث تضعیف احتمال تحقق این سناریو میشود.

دارند و به سرعت نوب نمیشوند و میتوانند بعد از سرنگونی و یا بعد از دخالت نظامی آمریکا خود را تجدید سازمان نمایند و به جان جامعه بیفتند؛ حمایت فعل دولت آمریکا از جریانات فدرالیست قومی و قابلیت فاشیستی جریانات قوم پرست، جامعه ایران در مقابل خطر تحقق سناریو سیاه به شدت آسیب پذیر تر گردیده است و خطر پاشیدن شیرازه های جامعه چون شمشیر دامکس بر سر مردم ایران نگاه داشته شده است؛

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند که که امروز بیش از همیشه سر راست و مطمئن ترین راه برای مقابله با تحقق چنین سناریویی سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق قیام مردم و تحقق بند های منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. در همان حال کنگره حزب توجه همگان را به واقعیت های زیر جلب میکند:

هرگونه ماجراجویی نظامی آمریکا و اسرائیل در ایران و هرگونه محاصره و تحریم اقتصادی ایران مستقیما به زیان مردم ایران است و به عمر جمهوری اسلامی می

جدیدی یافته است و دولت آمریکا با شکست خود در مقابل جمهوری اسلامی در عراق و ناتوانی موتلفین سنتی خود، یعنی اپوزیسیون راست طرفدار غرب، در ارائه هر بدیل معتبري برای فشار جمهوری اسلامی، به دارو بسته های قوم پرست و ماجراجویان سیاسی از یک طرف و تدارک یک حمله نظامی نابود کننده به بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران از طرف دیگر روی آورده است؛

جمهوری اسلامی به نوبه خود برای دفاع از موجودیت خود در مقابل خطر دچار شدن به سرنوشت رژیم عراق و برای کم کردن فشار اعتراضی مردم به خود به مقابله با آمریکا روی آورده است؛

جمهوری اسلامی تکلیف میکند تا با توسل به تحریک احساسات ناسیونالیستی در جامعه و با جنگی کردن فضای کشور مردم را عقب بزند، بخش های مهمی از اپوزیسیون راست پرو غرب را به حمایت از خود بکشاند، صفوف خود را منسجم تر کند و مبارزه برای سرنگونی خود را حشویه ای کند؛ جریانات اسلامی در جامعه ریشه

با توجه به اینکه:

سیاست ارتجاعی "ضربه پیشگیرانه" دولت آمریکا دنیا را با چشم انداز مهیبي روبرو کرده است. این سیاست انعکاس تلاش این دولت برای در نطفه خفه کردن امکان شکل گیری هر نیروی در جهان که بالقوه بتواند در آینده حاکمیت بلامنازع آمریکا بر جهان و منابع ثروت آن را مورد سوال قرار دهد است. دولت آمریکا رسماً دنیا را بر اساس منافع خود به دو اردوی خیر و شر تقسیم کرده است و بر این اساس در کار اعمال یک آپارتاید تکنولوژیک و اقتصادی بر جهان است؛

دولت آمریکا نشان داده است که در راه اعمال این سیاست بر نابودی پایه های اقتصادی یک جامعه و عقب راندن آن به عهد حجر با اتکا به مخرب ترین و مهلک ترین ماشین جنگی تاریخ بشر، یعنی ارتش آمریکا، و گسیختن شیرازه های جامعه انسانی و عراقیزه کردن آن با توسل به نیروهای قوم پرست و ماجراجویان و گانگسترهایی سیاسی اتکا میکند؛ بر این متن کشش میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی حول مسئله غنی سازی اورانیوم ابعاد

دادگاه سقز به محمود صالحی و جلال حسینی حکم زندان داد!

بعد از محاکمات مکرر فعالین کارگری سقز، سرانجام دادگاه اسلامی در این شهر روز شنبه ۲۰ آبان ۱۳۸۵ برابر با ۱۱ نوامبر ۲۰۰۶، محمود صالحی را به ۴ سال زندان و جلال حسینی را به ۲ سال زندان محکوم کرد.

طبق اطلاع هنوز حکم محسن حکیمی اعلام نشده است. لازم به توضیح است که قبلا نیز این دادگاه برهان دیوارگر را به ۲ سال زندان محکوم کرد. احکام صادره از جانب جمهوری اسلامی به فعالین کارگری در سقز به جرم برگزاری مراسم روز کارگر سال ۱۳۸۳ در این شهر میباشد.

آنچه مسلم است محاکمه کارگران سقز گوشه ای از تعرض جمهوری اسلامی به کارگران و مردم برای اعمال فضای رعب و وحشت بر جامعه است. محاکمه کارگران سقز را باید در کنار اقدامات جمهوری اسلامی برای محاکمه و فشار به کارگران شرکت واحد، اخراج و احضار دانشجویان در دانشگاههای ایران، تلاش برای ایجاد محدودیت بیشتر بر زنان و صدها مورد دستگیری و احضار و فشار به مخالفان خود گذاشت. کل این اقدامات ارتجاعی تلاشی است برای ایجاد محدودیت بیشتر و سد کردن اعتراضات و نارضایتی طبقه کارگر و مردم. کارگران در سقز را محاکمه میکند و حکم زندان میدهد تا بقیه مردم در این شهر را به سکوت وادارد.

تنها راهی که در مقابل طبقه کارگر و مردم برای پس زدن این تعرض ارتجاعی موجود است، مقابله ای متحدانه است. تنها اتحاد متحدانه طبقه کارگر، تنها بکار گرفتن نیرو توان متحدانه کارگران و مردم است که میتواند به این قلدری و توحش پایان دهد.

کمیته سقز حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن احکام زندان برای فعالین کارگری، کارگران و مردم مبارز این شهر را به دفاع از آنها فرامیخواند.

خالد حاج محمدی

دبیر کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

۲۱ آبان ۱۳۸۵ (۱۲ نوامبر ۲۰۰۶)

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com
Tel:0046739855837

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!